

مقایسهٔ پاپ در مسیحیت کاتولیک و مرجعیت در اسلام شیعی*

جعفر مروارید^۱

سید علی جعفریان خیرآبادی^۲

چکیده

پاپ رهبر مسیحیان جهان است. او به عنوان خلیفهٔ سنتی پطرس، مقبول مسیحیان واقع شده و آنها معتقدند عیسی، قدرت وصل و فصل کردن و کلیدهای بهشت را به وی داده است. مرجع تقلید در مذهب امامیه به مجتهد جامع الشرایطی گفته می‌شود که رهبری معنوی شیعه را به عهده می‌گیرد و عالی‌ترین نهاد اسلامی شیعی است. با توجه به این دو تعریف؛ پرسش اصلی پژوهش پیش رو این است که شباهت نهاد مرجعیت در شیعه و پاپ در مسیحیت چیست؟ این نوشته در راستای پاسخ به این پرسش به مقایسهٔ این دو پرداخته است. این دو نهاد مرجعیت اگرچه در ظاهر شبیه یکدیگر هستند؛ ولی تفاوت‌های پایه‌ای میان آنها وجود دارد. در واقع وجود شباهت‌هایی جزئی میان این دو نهاد سبب گشته تا برخی اشکالات وارد بر پاپ را بر مرجعیت شیعه نیز وارد کنند. اگرچه اتصال به خدا از جملهٔ شباهت‌های این دو شمرده می‌شود، ولی فرایند انتخاب، جایگاه آن دو و همچنین خطاپذیر یا ناپذیر بودن آنها، از مهمترین اختلافات است.

واژگان کلیدی: روحانیت، مرجعیت، پاپ، کلیسا، سازمان روحانیت، نهاد کلیسا،

شیعه، مسیحیت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

morvarid@um.ac.ir

۱. استادیار فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

alikhayrabadi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب مشهد (نویسنده مسئول)

از نگاه ادیان ابراهیمی در دوره‌ای که نبی یا رسول در زمین نباشد جانشین آنان روی زمین وجود دارد. به اعتقاد مسیحیان نیز پاپ به عنوان جانشین مسیح دارای قدرت مطلقه و نامحدود است تا جایی که وی می‌تواند سنت مسیحیت را ادامه و توسعه داده و حق قانون‌گذاری شرعی و تشریح حکم الهی را دارا می‌باشد. افزون بر این، پاپ در اظهار نظر و صدور حکم و فتوای شرعی خطاناپذیر است، به این معنا که هیچ‌گاه اشتباه نمی‌کند، هرگز به انحراف نمی‌رود و هرچه در مقام مقدس پاپی بگوید، حکم خدا و غیرقابل اصلاح و تغییر است. فرمان پاپ برای همه مسیحیان حجت است و باید بپذیرند و از وی اطاعت نمایند. (خاتون قدمی، ۱۳۸۹) در میان ادیان گوناگون اسلام تنها شیعه دارای مرجع دینی در زمان نبود پیامبر یا معصوم است که جایگزین پیامبر محسوب می‌شود. مرجعیت به عنوان رکن دین در زمان غیبت معصوم فعالیت می‌کند و مردم برای آگاهی از احکام دینی و چند و چون آنها به وی مراجعه می‌کنند. مرجعیت دینی شیعه و پاپ از نظر ظاهری مانند یکدیگر هستند، اما مقایسه مرجعیت دینی شیعه و پاپ در کلیسا ابعاد مهمی را روشن می‌سازد. مقوله بازشناسی نقش و کارویژه‌های مرجعیت شیعه و پاپ کلیسا سبب می‌شود این دو بهتر شناخته شده و به شبهاتی که درباره یکسان‌انگاری آنها مطرح می‌شود، پاسخ داده شود. پرسش اصلی تحقیق؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های پاپ و مرجعیت شیعی است. به نظر می‌رسد این دو در سه حوزه منشأ، انتخاب و کارکرد تفاوت‌هایی دارند.

درباره مقایسه نهاد مرجعیت و نهاد کلیسا کتاب، پایان‌نامه و مقالاتی زیادی نوشته شده است، ولی مقایسه پاپ و مرجعیت به صورت مجزا در هیچ نوشته‌ای بحث نشده است و همین امر، مسئله این نوشته را از دیگر تحقیقات جدا می‌سازد. روش تحقیق پیش‌رو، تطبیقی است که در عصر کنونی از اهمیتی فراوان در سطح جهان برخوردار است و این روش نکاتی مهم را در گستره بحث آشکار می‌سازد.

۱. تاریخچه پیدایش پاپ

کلیسا که در قرون اولیه میلادی به صورت یک نهاد و نظامی متواضع بنا شده بود، به مرور زمان، به قدرتی دست یافت که در همه عرصه‌های دینی و غیردینی، توانایی



اظهار نظر پیدا کرد و بدین ترتیب تمام قرون میانه را مدیریت نمود. پاپ از ریشه کلمهٔ pope به معنای پدر و از کلمهٔ یونانی papas گرفته شده است. مسیحیان این واژه را به پدر معنوی دین مسیح اختصاص داده‌اند. (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۶۴؛ شارمه، ۱۳۸۵، ص ۹۲) پاپ لئون کبیر در قرن پنجم میلادی تلاش کرد مرجعیت پاپی را گسترده کند؛ از این رو اسقف رم را جانشین پطرس دانست و برای اثبات این مدعی به آیاتی از عهد جدید استناد کرد. امپراتور والنتیوس سوم این روش را قبول کرد و در سال ۴۴۵ م اعلام کرد که اسقف رم در رأس کلیسا قرار دارد. (وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰) نخستین بار اسقف اعظم سیریکیوس در قرن چهارم میلادی خود را پاپ نامید. (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰ و ۱۴۷)

۲. تاریخچهٔ پیدایش مرجعیت

نهاد مرجعیت قدمتی چند صد ساله دارد و شاید بتوان قدمت آن را به زمان شاه طهماسب اول رساند. شاه صفوی، شیخ علی کرکی را نایب امام خواند و به او مقام شیخ الاسلامی داد که بالاترین مقام دینی به شمار می‌رفت و در امور مملکت دست وی را باز گذاشت. (تنکابنی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۴۷)

اوج مسئلهٔ مرجعیت در اسلام شیعی، در نزاع میان اخباریون و اصولیون بوده است. شیخ مرتضیٰ انصاری رهبری متمرکزی را در نظام روحانیت شیعه به وجود آورد. اصولیون با استفاده از عقل، احکام فقهی را از منبع وحیانی استنباط میکردند در حالی که اخباریون بر ظواهر کتاب و سنت تکیه داشتند. در این نزاع اصولیون با پیروی از آراء سید وحید بهبهانی پیروز این میدان بودند. (عنایت، ۱۳۶۵ ص ۲۸۰)

۳. فرایند انتخاب پاپ

در مسیحیت، اسقف نقشی کلیدی دارد به صورتی که همهٔ آداب و مراسم دینی بنا بر نظری تعیین شده و به مناصب پایین تر ارجاع داده میشود. رتبه‌ها با شکلگیری کلیسای کاتولیک رم پدید آمد. سلسله مراتب کلیسای رم عبارتند از: دیکون (شماس)، کشیش، اسقف، اسقف اعظم، کاردینال و پاپ. بالاترین درجه به پاپ و پایین‌ترین درجه به شماس اختصاص دارد. کسی که می‌خواهد به مقام پاپی برسد باید این مراحل را طی کند (علم‌خواه، ۱۳۸۶، پیش‌شمارهٔ ۲) میان پیروان کلیسا در مراتب

روحانی و درجات، اختلافاتی وجود دارد:

مرحله اول: شخص وارد مدرسه الهیاتی مسیحیت شده و دوره‌های علمی الهیاتی را سیری می‌کند؛

مرحله دوم: پس از گذراندن دوره‌های علمی وی می‌تواند به کشیش‌ها در مراسم مذهبی کمک کند به این فرد شماس گفته می‌شود.

مرحله سوم: پس از گذراندن دوره‌های خاص توسط مراکز آموزشی یا کلیسا به کلیسای معرفی می‌شوند و درجه کشیشی را از دست اسقف اعظم و یا اسقف دریافت میکنند.

مرحله چهارم: از میان کشیش‌ها افرادی که در دوره کشیشی موفق بوده‌اند، مراحل علمی را طی کرده و به مقام اسقفی نائل می‌شوند و سپس مسئولیت کلیسایی را از آن خود می‌کنند. سن قانونی برای پذیرفته شدن در رتبه‌های عالی روحانی به ترتیب عبارتند از: ۲۲ سال برای معاونت شماسی، ۲۳ سال برای شماسی، ۲۴ سال برای کشیشی و ۳۰ برای مقام اسقفی. (مولند، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰)

مرحله پنجم: هر کدام از دیکون‌ها و کشیش‌ها و اسقف‌ها رهبری دارد که آن را کاردینال می‌نامند. این طبقه از روحانیان مشاوران پاپ هستند و بسیاری از آنها در سازمان اداری واتیکان مشغول فعالیت هستند.

مرحله ششم: معمولاً پاپ از میان کاردینال‌های ارشد انتخاب می‌شود، به این صورت که ۱۰ تا ۲۰ روز پس از رحلت پاپ پیشین، هیئت کاردینال‌های مقیم روم مجمعی به نام «کان کلاو» تشکیل می‌دهند و از بین خود یک نفر را انتخاب می‌کنند که او در این حال، نام و لقب جدیدی اختیار می‌کند. از سال ۱۳۷۸ میلادی، این گونه رسم شده است که پاپ از میان کاردینال‌ها انتخاب شود.

۴. فرایند انتخاب مرجع تقلید

هنگامی که شخصی وارد حوزه علمیه شد باید سه مرحله علمی مقدمات، سطح و خارج را بگذراند؛ بعد از این مراحل شرکت در درس خارج الزامی است. در این رتبه آخرین تقریرات را از استاد گرفته و به تحقیق و مطالعه می‌پردازد. سپس در حوزه فقهی، متن کتبی به استاد ارائه می‌دهد و استاد پس از ارزیابی و پذیرش، به شخص



اجازه اجتهاد در احکام را میدهد. این فرد مجتهد است، ولی مرجع تقلید نیست. برای به دست آوردن رتبهٔ مرجع تقلید، مجتهد باید فتوای خود را در مسائل فقهی منتشر کند و از سویی دیگر طلاب به او مراجعه کنند به طوری که شخص مرجع علمی در مسائل فقهی شود؛ یعنی به قدری شاگرد داشته باشد که در علم فقه مشهور شود. (عنایت، ۱۳۶۵، ص ۲۸۰) به علاوه وی باید بتواند اقبال مردم را به دست آورد و مالیات دینی جذب کند. مهمترین مسئله این است اقبال مردم به شکل مدنی فردی را مرجع می‌کند؛ بنابراین مرجعیت سه ویژگی دارد:

اول: فرد بتواند به لحاظ علمی بنویسد و استاد پس از ارزیابی نوشتهٔ او را قبول کرده و سپس فرد آن را منتشر کند؛
دوم: کرسی تدریس قوی داشته باشد به صورتی که مرجع علمی طلبه‌های فاضل شود؛

سوم: اعتماد مردم را برای مالیات و مسائل فتوایی جذب کند.
 با مقایسهٔ فرایند انتخاب پاپ و مرجع تقلید مشخص میشود که مقامات در روحانیت مسیحی توسط کلیسا انتخاب شده و مردم هیچ نقشی در انتخاب پاپ ندارند. رأی کاردینال‌ها می‌تواند پاپ را انتخاب کند، ولی برای انتخاب مرجع تقلید مردم نقش کلیدی دارند و هیچ اجباری برای تعیین آن از طرف شخص یا نهاد وجود ندارد. بلکه دو عنصر مهمِ اعلم بودن و مقبول بودن نقش اساسی دارد؛ زیرا اگر اعلم نباشد اهل علم به او اقبال نمی‌کنند و اگر مقبول مردم نباشد در جمع‌آوری مالیات دینی (خمس و زکات) موفق نخواهد بود.

۵. جایگاه پاپ در مسیحیت

مسیحیان کاتولیک معتقدند حضرت عیسی مقام پاپی را ابتدا به پطرس داده و از پطرس به دیگر پاپ‌ها منتقل شده است. (طاهری اکرادی، باشبو نسل‌شاه، ۱۳۹۶، ص ۴۷-۵۶) از این رو این مقام قابل اعتماد است و جایگاهی ویژه میان مسیحیان دارد. (گردیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱ و ۲۲۵)
 پاپ بالاترین و مقدس‌ترین مقام مذهبی در کلیسای کاتولیک روم است. با توجه به اینکه پاپ به پطرس مقدس و به تبع آن به حضرت عیسی میرسد، کلیسای بدون



پاپ معنی ندارد. حیات معنوی کلیسا به پاپ است و کلیسای بدون این مقام بی‌خاصیت و بی‌اثر و بی‌تحرک است. (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶)

پاپ منشأ و معیار هر قانونی است، او قدرت دارد درباره همه چیز نظر دهد و هیچ کس نمی‌تواند اعتراض نماید، همان‌گونه که مادر در زندگی نقش محوری دارد پاپ در کلیسا چنین نقشی دارد. (شارمه، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶ و ۱۵۵) از این رو مقام او مرکزی، رئیس کل عالم، پدر مقدس، عالی‌ترین داور، منبع عشق و محبت، صاحب اختیار، نور دنیا، ابرمرد و متخصص انسانیت است. (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷-۱۳۰)

۶. جایگاه مرجعیت در شیعه

شیعه معتقد است، مرجع تقلید و مردم به لحاظ شهروندی مساوی هستند، ولی مرجع تقلید به لحاظ علمی و شناخت اسلام بالاتر از مردم عادی است. از سوی دیگر در هیچ عصری زمین بدون امام معصوم نیست (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹)؛ از این رو در هر عصری باید یک معصوم باشد تا بشر را هدایت کند.

بر اساس مبانی شیعه، اسلام آخرین دین الهی است که برای بشر نازل شده است. مفسر اصلی شریعت پیامبر ﷺ و پس از او ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند، ولی این مفسر در زمان کنونی از انظار عمومی پنهان است. از طرفی در شریعت اسلام احکامی وجود دارد که اجرای آن ضروری است؛ بنابراین در زمان نبود یا غیبت امام معصوم علیه‌السلام، جانشین ائمه مراجع تقلید هستند که حفظ هویت دینی و نظارت بر انجام مراسم دینی از مهمترین کارکردهای این فقیه خواهد بود. از این رو وظیفه مرجع دینی همان وظیفه امام معصوم در زمان غیبت است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۰-۴۱)

اما به چند نکته مهم درباره مرجع تقلید باید توجه کرد:

- به نظر همه فقهای شیعه حاکمیت و ولایت برای خداست و هیچ یک از افراد بشر بدون اجازه خداوند حق اعمال سلطنت و پادشاهی بر دیگران را ندارد؛
- از یک سو در زمان کنونی جانشین پروردگار در عالم در غیبت کبرا به سر می‌برد و از سوی دیگر احکام الهی باید در همه زمان‌ها و مکان‌ها اجرا شود؛ زیرا اجرا نشدن آنها با حکمت خداوند و بعثت انبیاء ناسازگار است؛
- به نظر مذهب امامیه خداوند این حق را به پیامبر ﷺ و ائمه معصوم علیهم‌السلام و در

زمان نبود آنها به فقهای جامع الشرائط واگذار کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۱؛ مصباح، محمدتقی، ۱۳۶۹، جوادی آملی، ۱۳۶۸؛ طاهری، ۱۳۸۱) و همین دلیل، سبب مشروعیت الهی برای فقیه است. بنابراین در عصر غیبت، ولی فقیه به اقتضای ولایتی که دارد همانند امام معصوم، عهده‌دار رهبری و تدبیر امور دینی و دنیوی مردم است و مردم همواره تحت سرپرستی ولی فقیه موظف به اطاعت از اوامر او هستند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸، ص ۷۰-۷۱)

با بررسی جایگاه پاپ و مرجعیت به نظر میرسد این دو جایگاه خود را الهی می‌دانند به صورتی که مسیحیت معتقد است پاپ، مقام مقدسی است که از سوی حضرت عیسی به واسطهٔ پطرس به مسیحیان رسیده است. مرجعیت دینی در شیعه نیز منصبی الهی است که در دوران حضور ائمه و غیبت کبری و با نظریه‌پردازی‌های فقهای مانند شیخ مفید و شیخ طوسی مطرح بوده است. (جعفرپیشه فرد، ۱۳۸۰، ص ۵-۱۲) اما سه تفاوت مهم دربارهٔ جایگاه پاپ و مرجعیت شیعه وجود دارد:

از نظر شیعه ولی فقیه همانند دیگر مردم از حق شهروندی مساوی برخوردار است؛ زیرا اسلام امتیازات طبقاتی را نیز مانند امتیازات نژادی لغو کرده است و در سازمان اجتماعی اسلام هیچ‌گونه طبقهٔ بالا و پایین و انحصار علمی و عملی وجود ندارد و کسب علم و معارف گوناگون در انحصار طبقهٔ خاصی نیست، بنابراین برای فرد روحانی هیچ‌گونه امتیاز طبقاتی مقرر نشده است. افرادی باید به مطالعات تحقیقی در رشته‌های مختلف علوم دینی پرداخته و در شرایطی که پیامبر و امام وجود ندارند، پاسخ‌گوی سؤالات دینی مردم باشند. به این ترتیب وجود روحانیت از باب ضرورت است و برای خود جایگاه و مقامی فراتر از مردم نمی‌بنید بلکه بر اساس وظیفه و ضرورت این منصب را قبول می‌کند. (جمعی از نویسندگان ۱۳۴۱، ص ۱۳۳-۱۴۸) اما به نظر کلیسا، مقام پاپ یک مقام فرا انسانی است که توسط عیسی و پطرس به پاپ واگذار شده است و پاپ را از دیگر مردم جدا می‌کند.

نظر مرجعیت تنها در حوزهٔ فقهت و احکام عملی معتبر است و در دیگر حوزه‌ها باید به متخصص مراجعه شود، اما از نگاه کلیسا پاپ می‌تواند در تمام امور دخالت کرده و نسبت به همه چیز نظر دهد و کسی نیز نمی‌تواند اعتراض نماید.

پاپ مقامی دارد که توسط کاردینال‌ها به او داده میشود، این مقام اعتباری و قابل



گرفتن است چنانکه پاپ بندیکت شانزدهم در ۲۳ بهمن سال ۱۳۹۱ استعفا داد، ولی در مذهب شیعه مرجعیت متفاوت است؛ زیرا یک مرجع تقلید نمی‌تواند از مقام مرجعیت خویش استعفا دهد و این امر شدنی نیست. در واقع این نشان از مقام روحی و روانی آن مراجع دارد که به دست انسان‌ها از بین رفتنی نیست.

۷. خطاناپذیری پاپ در مسیحیت

در سیر تاریخ مسیحیت، پاپ از ابتدا به صورت یک فرد برتر ترسیم شده است. پس از قرون وسطی در شورای واتیکان اول، به صورت یک اصل اعتقادی، خطاناپذیری پاپ به تصویب رسید. این آموزه از اهمیتی فراوان برای مسیحیان کاتولیک و کلیسای روم برخوردار است. مسیحیان معتقدند کلیسا با تمام خطاهایی که در آن رخ می‌دهد برحق باقی مانده است و هرگاه در موضع فتوا دادن قرار می‌گیرد با تأیید روح القدس از خطا در امان می‌ماند. (توفیقی، حسین، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹-۱۵۰) از نظر آنان آموزه معصومیت اگرچه حقیقتی است که در مکتوبات اولیه به کارنرفته اما همان ابتدا در کلیسا بوده و در مورد آن جای هیچ تردیدی نیست. از نظر متکلمان مسیحی تمام کلیسا معصوم است، اما اجزاء آن به تنهایی خطاپذیر هستند. با مراجعه به ساختار کلیسایی و نهادهای خاص تعلیمات مقتدرانه آن به این نتیجه می‌رسیم که کلیسا یعنی اسقف‌ها به همراه پاپ، یک کل هستند. وقتی نهادهای کلیسا تعلیم می‌دهند، کلیسا نشان می‌دهد که این تعلیم میان آنها تجلی یافته است، افزون بر آن شورای اسقفی به عنوان تجلی تمام کلیسا و اسقف‌ها نماینده خود به تنهایی نیستند؛ از این رو اسقف‌های پاپ در مقام تعلیمی خود خطاناپذیر هستند. (طاهری اکردی، ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۱۶)

۸. ویژگی خطاناپذیر بودن مرجعیت در تشیع

از نظر شیعیان، معصومین علیهم‌السلام خطا نمی‌کنند؛ زیرا آنان به ذات اشیاء علم الهی دارند و همین علم سبب می‌شود راه درست را از نادرست تشخیص دهند، در نتیجه، گفتار، رفتار و سکوت آنان برای شیعیان حجت و دلیل است. از یک سو احکام الهی باید همیشه اجرا شود و تعطیل بردار نیست در غیر این صورت با حکمت فرستادن انبیاء و کتاب منافات خواهد داشت و به همین دلیل نیز یادگیری نحوه عمل به

آموزه‌های دینی بر همه واجب است. از سویی دیگر تمام مردم نمی‌توانند در علوم دینی متخصص شوند؛ زیرا همه توان چنین کاری را ندارند، افزون بر این که چنین کاری در روابط انسانی مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. در نتیجه برخی از انسان‌ها بر اساس شرایطی که توسط خداوند و فرستادگان مشخص شده است باید امور دینی مردم را مدیریت نمایند.

اما ضرورت این مدیریت در عصری که این افراد حضور ندارند نیز همچنان به قوت خود باقی است، بنابراین ایشان به جای خود نایبان عامی قرار داده‌اند که هر کس شرایط و ویژگی‌های مختص به این نواب را داشت، می‌تواند جایگزین امام معصوم در عصر غیبت باشد. این افراد رتبه‌ای پایین‌تر از معصوم دارند و ممکن است در رفتار، کردار و گفتار خود خطا کنند؛ از این رو، بحث تخطئه و تصویب پدید آمد تا تفاوت معصوم و غیرمعصوم نشان داده شود. نظریه تخطئه تفاوت میان شارع مقدس و فقهای عادل را بیان می‌کند؛ به این معنا که اگر ایشان روش درست را به کار بگیرند، مطلوب شارع بوده و جزا داده میشوند، در این حالت اگر رأی آنان نیز اشتباه باشد، معذور خواهند بود؛ زیرا از نظر عقلی و در شرایط ضرورت تلاش خود را برای استنباط احکام به کار گرفته‌اند. افزون بر این، کسی باید در جامعه اسلامی از نظر عقلی درباره دین و احکام آن نظر دهد؛ این شخص باید در مرحله اول اعلم و صاحب نظر بوده، و ویژگی‌های مورد قبول آن دین را نیز داشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، خمینی، ص ۲۵۹-۲۳۹؛ بهشتی، ۱۳۸۳، ۲۸۹-۲۶۹)

ائمه معصوم علیهم‌السلام به مسائل زمان غیبت واقف بودند و به همین دلیل افراد واجد شرایط خاص را معرفی کرده و تأکید کرده اند مردم باید به آنان رجوع کنند. به این افراد نائب عامه ائمه گفته میشود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۱، ص ۶۱-۲۱)

از نظر شرعی آیات و روایاتی فراوان در اثبات مرجعیت دینی وجود دارد. از جمله مهمترین دلایل شرعی برای اثبات جانشین امامان، توقیع شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه به محمد بن عثمان عمری است. حضرت درباره حوادث جدید می‌فرماید: «أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۵، ص ۴۸۴؛ حر عاملی، ۱۳۸۸، ج ۲۷، ص ۱۴۰)

امام حسن عسکری علیه‌السلام در سخنی دیگر شرایط روات حدیث را ذکر کرده و می‌فرماید:

اسلام شناس، پاک و عادل، محافظ دین، مخالف هوای نفس، بی رغبت به دنیا، مطیع اوامر شارع مقدس، در برابرنص، اجتهاد شخصی و تفسیر به رأی نداشته باشد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، باب ۱۰، ح ۲۰)

به عنوان جمع بندی می توان گفت خطاناپذیری از منظر مسیحیان به این دلیل ضرورت دارد که پاپ مرجع دینی و حکومتی است و کلیسا از سوی روح القدس محافظت میشود، بنابراین از نگاه آنان اگر پاپ در تصمیم دینی از اصول اعتقادی مسیحیت خارج شود، خطا نمی کند. ولی به نظر شیعه مرجع دینی به نصب عام از طرف معصوم منصوب شده و صفات و شرایطی دارد که امام معصوم بیان کرده است که در صورت نبودن هریک از این شرایط خود به خود از مرجعیت منعزل می گردد. به نظر میرسد اعطای عنوان خطاناپذیری به پاپ، قدرت وی را زیاد کرده و همین امر سبب ایجاد اختلاف هایی فراوان شده است؛ زیرا در مسیحیت (که) به خطاکار بودن پیامبران اعتقاد دارند، باور به خطاناپذیر بودن شخصی که از راه رأی گیری به مقام پاپی رسیده است، قابل دفاع نیست. (طاهری آکردی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵)



نتیجه‌گیری

از مقایسهٔ مقام پاپ و مرجعیت دینی در تشیع مطالب زیر برداشت می‌شود:

- این دو مرجع دینی در زمان غیبت معصوم به وجود آمده است و هرکدام از آنها می‌کوشد مشروعیت خود را به پروردگار منتسب نموده و به‌گونه‌ای شرعیت خود را از خداوند به دست آورد.
- مقام پاپی در روحانیت مسیحی توسط کلیسا انتخاب شده و مردم هیچ نقشی در انتخاب پاپ ندارند، ولی برای انتخاب مرجع تقلید نوعی دموکراسی حاکم است و هیچ اجباری برای تعیین آن از طرف شخص یا نهاد وجود ندارد، بلکه دو عنصر مهم اعلم بودن و مقبول بودن در این انتخاب نقش اساسی دارد.
- از نظر شیعه مرجعیت همانند دیگر مردم از حق شهروندی مساوی برخوردار است، اما به نظر کلیسا مقام پاپ یک مقام فرا انسانی است که توسط عیسی و پطرس به پاپ واگذار شده و پاپ را از دیگر مردم جدا می‌کند.
- نظر مرجعیت تنها در حوزهٔ فقهت و احکام عملی معتبر است و در دیگر حوزه‌ها باید به متخصص مراجعه نمود، اما از نگاه کلیسا پاپ می‌تواند در تمام امور دخالت کرده و نسبت به همه چیز نظر دهد و کسی نیز نمی‌تواند به رأی او اعتراض کند.
- مقام پاپ توسط کاردینال‌ها به او داده می‌شود، بنابراین این مقام اعتباری و قابل گرفتن است، ولی در مذهب شیعه، مرجع، نمی‌تواند از مقام مرجعیت خویش استعفا دهد.
- خطاناپذیری پاپ به سبب این است که وی مرجع دینی بوده و از سوی روح القدس محافظت می‌شود، ولی به نظر شیعه مرجع دینی به نصب عام از طرف معصوم منصوب شده است و ممکن است در برداشت ظواهر دینی خطا کند.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق) ابی جعفر محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۵)، تمام الدین و کمال النعمه، صححه علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین، موسسه النشر الاسلامی.
۲. بهشتی، سید محمد (۱۳۸۳)، ولایت رهبری روحانیت، تهران: بقیه.
۳. تنکابنی، میراحمد (۱۳۸۶)، قصص العلماء، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۴. توفیقی، حسین (۱۳۸۹)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: سمت، چاپ سیزدهم.
۵. جعفر پیشه‌فرد، مصطفی (۱۳۸۰)، پیشینه نظریه ولایت فقیه، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۴۱)، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی، چاپ اول.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸)، تعالیم کلیسای کاتولیک، ترجمه احمد مفتاح حسین سلیمانی و حسن قنبری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، پیرامون وحی و رهبری، قم: الزهرا.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، قم: اسراء، چاپ پنجم.
۱۰. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۱۱. خاتون قدمی، هاجر (۱۳۸۹)، «خطاناپذیری پاپ: تأملی بر کتاب کنکاش آموزه خطاناپذیری پاپ با تأکید بر دیدگاه هانس کونگ»، کتاب ماه دین، شماره ۱۶۰.
۱۲. شماره، آمریته (۱۳۸۵)، فرهنگ ادیان، ترجمه فاطمه سمواتی، تهران: مدحت.
۱۳. طاهری اکرادی، محمد حسین، باشبو نسل‌شاه، (۱۳۹۶) «بررسی تطبیقی خطاناپذیری حاکم دینی در مذهب کاتولیک و شیعه»، مجله معرفت، شماره ۲۴۰.
۱۴. طاهری آکرادی، محمد حسین (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی وثاقت در سازمان روحانیت شیعه با نهاد کلیسای کاتولیک»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۵.
۱۵. طاهری آکرادی، محمد حسین (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی سازمان روحانیت شیعه با نهاد کلیسای کاتولیک»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۱)، تحقیقی پیرامون ولایت فقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. علم‌خواه، سید مسلم (۱۳۸۶)، «سلسله مراتب کلیسای کاتولیک رم»، هفت اقلیم، پیش شماره ۲.
۱۸. عنایت، حمید (۱۳۶۵)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.



۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۰. کونگ، هانس (۱۳۸۴)، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۱. گردیدی، جوان (۱۳۷۷)، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: موسسه فرهنگی طه،
۲۲. مصباح، محمدتقی (۱۳۶۹)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۲)، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هشتم، از بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۴۱، تهران: امیرکبیر.
۲۴. _____، (۱۳۸۱)، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. مولند، اینار (۱۳۸۱)، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری، مسیح مهاجری، تهران: امیرکبیر.
۲۶. وان وورست، رابرت ای (۱۳۸۴)، مسیحیت از لابه لای متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.



سید الطائفہ منیر علی شاہ



سال اول، شماره اول، پینیز و زمستان ۱۳۹۸

The Comparison Between Pope in Catholic Christianity and Shia Authority (Marja'iyah) in Shia Islam

*Jafar Morvarid*¹

*Sayyed Ali Ja'fariyan Kheirabadi*²

Abstract:

Pope is the leader of all churches around the world. He as the Petros traditional successor, has been accepted among the Christians. They believe that Jesus has given the power of receiving and solving and the heaven keys to him. On the other side the reference of emulation (Marja'-e-Taqleed) in Imamiyyah School is called "Mojtahid of Comprehensive Conditions" who is in charge of spiritual leadership amongst the shia that is the highest Islamic position. The main question of this article is to know "what are the similarities between Shia authority (Marja'iyah) position and Pope in Christianity?" The following paper is going to compare these two. However these two are similar to each other apparently, there are basic differences between them. The thing which is the motivation of this article is partial similarities between these two positions, that caused some of the Pope's bugs entered to the Shia authority (Marja'yiah). The connection to God is considered as one of the similarities, but the process of the choice, the position of these two, and the fallibility and the infallibility are the most important differences.

Key Words: Spirituality (Rawhaniyah), Shia Authority (Marja'iyah), Pope, Church, Spiritual Organization, Church Institution, Shia, Christianity.

1. Assistant Professor Ferdowsi University Of Mashhad.

2. The Student of Level Four in Hawzah of Khorasan and the Ph.d Student in Religion and Denomination University The Holy City of Mashhad. (Responsible author)

